راهبری

گزارش

در گفت‌وگوی «شرق» با رئیس فراکسیون اهل سنت مجالس هشتم، دهم و یازدهم عنوان شد

وفاق ملی در گرو حضور همه ایرانیان در کابینه

شرق: جلال محمودزاده در گفت‌وگو با «شرق» بر این باور است که «اگر آقـای پزشـکیان در دولت خود از ظرفیت اهل سـنت اسـتفاده کند و مجلس شـورای اسلامی و سـایر نهادها هم در این خصوص چراغ سبز نشان دهنـد و با کابینه چهاردهم برای حضور اهل سـنت همراهی کنند، قطعا یک وفاق ملی شـکل خواهد گرفت و یک شور و شوق و نشاط سیاسی را به دنبال خواهد داشـت». از طرف دیگر رئیس فراکسـیون اهل سنت مجالس هشتم، دهـم و یازدهـم بـاور دارد که «با حضور اهل سـنت در مقـام وزارت میزان کارآمـدی کابینه چهاردهم ارتقا پیدا خواهد کـرد و هم‌زمان با تقویت اعتماد جامعه اهل سـنت، بر میزان مشارکت در انتخابات بعدی افزوده خواهد شد». آنچـه در ادامه می‌خوانید ماحصـل گپ‌وگفت با این نماینـده ادوار مجلس است.

جناب محمودزاده به عنوان رئیس فراکسـیون اهل سنت مجالس هشتم، دهـم و یازدهم امیدی به تحقق وعده مسـعود پزشـکیان درباره حضور همه ایرانیان در رده وزارت کابینه چهاردهم دارید؟ چون برخی معتقدند اکنون بیش از هر زمان دیگری به تحقق این وعده نزدیک شـده‌ایم، خاصه آنکه در شورای راهبردی با حضور محمدرئوف قادری به عنوان تنها نماینده اهل سـنت در این شورا اکنون گمانه‌زنی‌ها درباره حضور اهل سـنت در کابینه چهاردهم تقویت شده است؟

ابتدا به سـاکن درخصوص آقای قادری این را بگویم که اگرچه ایشان در ستاد اصلی آقای دکتر مسـعود پزشکیان حضور جدی و فعالی داشتند، اما در میان اعضای ۳۰نفره شـورای راهبری حتی یک اهل سـنت دیده نشد که در نهایت ما نمایندگان اهل سـنت به این موضوع اعتراض کردیم و همین مسئله باعث شـد که آقای محمدرئوف قادری به عنوان یک اهل سـنت در شورای راهبری دولـت چهاردهم حضور پیدا کند. درخصوص آقای دکتر پزشـکیان هم این را بگویم که من بشخصه ۱۲ سال با ایشان در مجلس شورای اسلامی کار کردم و ایشان را از نزدیک و به خوبی می‌شناسم، ضمن اینکه آقای دکتر پزشکیان اهل مهاباد هستند و با جامعه اهل سنت هم بزرگ شده‌اند و اهل سنت را به خوبی می‌شناسند. طبق همین شناخت و نزدیکی ایشان با جامعه اهل سنت و شعار ایشان درباره ایران برای همه ایرانیان و شکل‌گیری کابینه وفاق ملی و همچنین اسـتفاده از ظرفیت همه اقوام و مذاهب کشـور باعث شد جامعه اهل سنت هم به وی اعتماد کند. اما برخلاف این اعتماد به نظر من آقای دکتر پزشـکیان نتوانست جواب مثبتی به جامعه اهل سنت بدهد.

چطور؟

چون آقای دکتر پزشکیان تا اکنون نزدیک به هفت مورد حکم برای معاونت در نهاد ریاسـت‌جمهوری صادر کرده است اما هیچ کدام از این موارد درخصوص یک اهل سـنت نبوده و از نیروهای اهل سنت در جایگاه معاونان خود استفاده نکرده است. وقتی آقای ظریف، معاون راهبردی می‌شود، آقای حاجی‌میرزایی، رئیس دفتر آقای پزشـکیان شده‌اند، سرپرسـت نهاد ریاست‌جمهوری به آقای قائم‌پناه سـپرده شده و مشـاورت عالی به آقای طیب‌نیا رسیده است؛ معاون اولی هم با آقای عارف اسـت و معاون پارلمانی ریاست‌جمهوری هم به آقای دبیری رسـید، دیگر جایی برای اهل سنت نمی‌ماند. من برای همه اینها احترام قائلم اما سـؤال من از خود آقای پزشکیان این اسـت که آیا نمی‌شد یک اهل سنت را در نهاد ریاسـت‌جمهوری و برای یکی از معاونان خود انتخاب کند؟! حتی بحث‌هایی مطرح بود و تلاش‌هایی شـد که ریاسـت سـازمان برنامه و بودجه به یک اهل سـنت سـپرده شـود که در نهایت آقای پورمحمدی برای این سـمت انتخاب شد. لذا در بحث کابینه هم در همین مصاحبه با «شرق» و براساس شنیده‌ها و اخبار و اطلاعاتی که دارم هرچند دو نامزد اهل سنت برای وزارتخانه‌های کابینه چهاردهم مطرح شده‌اند، اما بسیار بعید می‌دانم که این دو نامـزد بتوانند به عنوان وزیر به کابینه چهاردهم راه پیدا کنند . این در حالی است که من آقای دکتر پزشـکیان را می‌شناسم و با زندگی، سابقه و اعتقادات او آشنا هسـتم. اگر واقعا جامعه اهل سـنت از او هم ناامید شود، دیگر برای انتخابات بعدی ریاسـت‌جمهوری، جامعه اهل سنت امیدی در جهت حضور و مشـارکت نخواهد داشت. شما در جریان هستید که برخی مناطق اهل سنت توجه خاصی به انتخابات ریاست‌جمهوری دوره چهاردهم نداشتند، اما برخی از دوستان اهل سـنت و چهره‌های نزدیک به آقای پزشـکیان به مناطق اهل سنت سفر کردند و تلاش داشتند حضور و مشارکت بیشتری در انتخابات داشته باشند. خود آقای پزشـکیان هم شعارها و وعده‌هایی برای استفاده از ظرفیت همه ایرانیـان در بدنه کابینه چهاردهم مطرح کرد و جامعه اهل سـنت هم امیدوار شد که در دولت جدید سهمی خواهد داشت.

خلط مبحث بین موضوع قومیت‌گرایـی و مقوله مذهب را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ آیا تلاش شده نگاه قومیت‌گرا جای قرائت مذهبی را بگیرد؟

این مسـائل چیز تازه‌ای نیسـت و در همه دولت‌های پیشین هم از کردها و دیگر اقوام استفاده شده است. اما موضوع اصلی و دغدغه و انتظار و مطالبه جدی جامعه اهل سنت به‌کارگیری افراد نخبه از اهل سنت است. در دولت آقای روحانی تنها دو سـفیر اهل سـنت به کار گرفته شـد و در دولت آقای خاتمی با وجودتمام شـعارها هیچ‌گاه از اهل سـنت در رده وزرا و معاونان وزرا اسـتفاده نشد و این مسئله تا زمان آقای پزشکیان ادامه پیدا کرده است. آقای پزشـکیان فردی بودند که متولد مهاباد بودند و با جامعه اهل سـنت بزرگ شـدند. واقعا اهل سنت به ایشان اعتماد کرد و جامعه اهل سنت هم واقعا این مطالبه و خواست بیش از ۴۰ساله را دارند که از ظرفیت آنها برای رشد و شـکوفایی و توسعه و اعتلای ایران استفاده شود. ما هم می‌خواهیم به کشور خدمت کنیم. ما نخبگان بسیار زیادی در بدنه کارشناسی و رده‌های میانی از جامعه اهل سنت داریم، اما آیا این بدنه نخبه نمی‌تواند به رده‌های کلان مدیریتـی راه پیدا کند و حتی معاون اول رئیس‌جمهور شـود؟! واقعا جامعه اهل سـنت می‌تواند به دولت آقای پزشـکیان کمک کند و کارنامه دولت چهاردهم موفق‌تر از دیگر دولت‌های قبل باشـد. چون اگر شـما یک بررسی آماری داشته باشید هر زمان که مسئولیتی به اهل سنت سپرده شده است همواره موفق بوده‌اند. شما مشخصا به موضوع بانک‌ها نگاه کنید. در هر قسمتی که مدیران بانکی به اهل سنت سپرده شده است، میزان موفقیت به شـدت بالا بوده و در عین حال آمار اختلاس، فساد و تخلف مالی کاهش پیدا کرده و این بر حسـب آمار اسـت. ما یک ظرفیت بکر و دست‌نخورده در ایران داریم که واقعا می‌تواند کمک بسیار شایانی به دولت چهاردهم بکند، ولی تا اکنون از این ظرفیت استفاده نشده است.

نگاه بدبینانه‌ای درخصوص احتمال به‌کارگیری بدنه اهل سنت در دولت آقای پزشکیان داشتید. مسئله صرفا به آقای پزشکیان بازمی‌گردد؟

متأسفانه موضوع این است که یک قانون نانوشته در ساختار مدیریتی و ساختار سیاسـی کشـور وجود دارد که از ظرفیت اهل سنت در رده‌های کلان مدیریتی کشور استفاده نمی‌شود و این درست برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اسـت که اهل سـنت می‌تواند حتی وزیر و معاون اول شود. چون طبق قانون اساسـی ایران، اهل سنت فقط نمی‌تواند رهبر یا رئیس‌جمهور باشـد، اما برای دیگر پست‌ها هیچ قید مذهبی وجود ندارد. بنابراین ما از نظر قانونی مشکلی نداریم.

ادامه در صفحه ۵

بررسی ضرورت استفاده از همه ایرانیان در مناصب مدیریتی برحسب نیاز به افزایش کارآمدی منابع انسانی در گفت‌وگوی «شرق» با کارشناسان

راهی که باید گشوده شود

عبدالرحمـن فتح‌الهی: دو نماینـده مجلس از احتمـال ارائه فهرسـت کابینه دولت چهاردهم به مجلس شـورای اسلامی تا آخر هفته خبر دادند. علیرضا سلیمی و احمد نادری، از اعضای هیئت‌رئیسـه مجلس، در گفت‌وگوهایی اعـلام کرده‌اند احتمال دارد رئیس‌جمهور اسـامی وزرای مدنظرش را تا روزهای پایانی هفته به مجلس ارسال کند. این در حالی است که درباره نحوه چینش کابینه چهاردهم بحث و موضوعات متعددی در فضای سیاسـی و کارشناسـی مطرح اسـت که یکی از مهم‌ترین آنها ناظر بر حضور شایسـتگان صرف نظر از قومیت و باور دینی آنان در رده «وزارت» دولت جدید اسـت؛ اتفاقی که با وجود شعارها و وعده‌های رؤسای جمهور قبلی، تاکنون بر زمین مانده است. اگر با انتخاب یک نماینده ادوار اهل سنت (محمدرئوف قادری) در شورای راهبری دولت چهاردهم، بارقه امیدی برای شکسته‌شـدن این تابو پدیدار شده است، اما بسیاری هنوز در این رابطه شـک و تردیدهای فراوانی دارند. با وجود این و طبق اصل صدوسی‌وسوم قانون اساسـی، «وزرا توسـط رئیس‌جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. با تغییر مجلس، گرفتن رأی اعتماد جدید برای وزرا لازم نیست. تعداد وزیران و حدود اختیارات هریک از آنان را قانون معین می‌کند». اصل مذکور به‌هیچ‌وجه بر قید «مذهب» برای انتخاب وزرا از سـوی رئیس‌جمهـور منتخب تأکیدی ندارد. حال باید دید مسـعود پزشکیان اولین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران خواهد بود که در کابینه خود طلسم شکنی می‌کند یا خیر؟! پاسخ به این پرسش، محور گفت‌وگوهایی با احسان هوشـمند پژوهشگر ارشد اقوام، جلال محمودزاده نماینده ادوار و رئیس فراکسیون اهل سـنت مجالس هشتم، دهم و یازدهم و نیز محمدقسیم عثمانی، نماینده فعلی مجلس دوازدهم و عضو فراکسیون اهل سنت است.

در گفت‌وگوی «شرق» با احسان هوشمند عنوان شد:

استفاده از همه ظرفیت‌ها در کابینه چهاردهم منشأ اثرات مثبت خواهد بود

شـرق: احسـان هوشـمند در گپ‌وگفتی که با «شـرق» دارد، ذیل یـک بازخوانی تاریخـی از روند به‌کارگیری ظرفیت‌های مختلف سیاسـی و مذهبی در بدنه مدیریتی کشـور بـر این باور اسـت که «در دولت پزشـکیان تلاش‌ها بر این است که از نخبگان اهل سـنت در رده وزارت استفاده شـود». البته این پژوهشگر حوزه اقوام درباره موفقیت رئیس‌جمهور جدید در این باره شـک و تردیدهایـی دارد و یادآور می‌شود که «برای توفیق در به‌کارگیری اهل سنت در کابینه چهاردهم ملزومات، پیش‌شرط‌ها و زمینه‌های اولیـه‌ای وجـود دارد» که به زعمش «تـا به اکنون رعایت نشده است». مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

به دنبال شعارهای مسعود پزشکیان درخصوص اسـتفاده از همه ظرفیت‌ها در بدنـه وزارتی دولت چهاردهـم و حضور محمدرئوف قادری در شـورای راهبری بارقه‌های امیدی شکل گرفت که شاید برای اولین بار یک اهل سنت در قامت وزیر در ساختار جمهوری اسلامی ایران حضور یابد. آن‌گونه که مطرح اسـت گویا دو کاندیدای اهل سنت هم در فهرست پیشـنهادهای کابینه جدید وجود دارد. حال شما به‌عنوان یک پژوهشگر ارشد حوزه اقوام و مذاهب آیا معتقدید که مسعود پزشکیان می‌تواند این مسیر را باز کند؟

اتفاقـا در راسـتای همین نکته پایانی شـما از همان سـال‌های ابتدایی انقلاب ما شـاهد حضور چهره‌هایی از مناطق مختلف و شهرها و تیره‌ها و اقوام مختلف در قامت رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، وزیـر و... بوده‌ایم. در این میـان هم‌وطنان کُرد، لر، بختیاری، آذری، عرب، خوزسـتانی و... هم حضور داشـتند. اگر مشـخصا روی کردها تمرکز کنیم در این بین می‌توان به آقـای زنگنه به عنوان یک وزیر کُرد اشـاره کرد که طولانی‌ترین سـابقه وزارت بعد از انقلاب را دارد که ۹ دوره در کابینه‌های مختلف حضور پیدا کرده است؛ کمااینکه عبدالله رمضان‌زاده، سخنگوی دولت آقای خاتمی بود. آقای عزیزی در شـورای نگهبان حضور داشـتند. در هیئت رئیسـه مجلس آقای مصری از کرمانشاه بودند، ایشان دوره‌ای هم وزیر بودند و...؛ بنابراین اگر بخواهیم فقط لیسـتی از چهره‌های کُرد در پست‌های مختلف تهیه کنیم، اسامی زیادی وجود دارد.

فرمانده نیروی زمینی و نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران هم کُرد هستند...

دقیقا. کمااینکه اکنون اسـتانداران کرمانشـاه، کردسـتان و آذربایجان غربی هم کُردزبان هستند. همچنان که اسـتان‌های غیرکرد مانند مازندران هم استاندار کرد داشته‌اند. ازاین‌رو در دوره جمهوری اسلامی هیچ‌گاه «قوم» و «زبان»، پارامتری برای محدودیت افراد در پست‌ها و مناصب مختلف نبوده اسـت؛ همان‌طورکه سـایر اقوام ایرانی هم در پسـت‌های مختلف و در عالی‌ترین رده‌های لشکری و کشوری حضور داشـته‌اند. پس اقوام کشور در چرخش نیروهای سیاسـی توانستند به مراتب بالایی دست پیدا کنند. اما در یک نگاه آسیب‌شناسانه باید اذعان کرد که چرخش نخبگان سیاسی در سال‌های پس از انقلاب به معنای یک چرخش کارشناسی‌شـده، منطقی، عقلانی و در عین حال متوازن نبوده است که در آن چرخش قاعده‌مند، کارشناسان و افراد مجرب به پست‌ها دست پیدا کنند. یعنی مقامات ارشد و وزرا لزوما بهترین و باتجربه‌ترین و مناسب‌ترین گزینه‌ها برای تصدی موقعیت‌های عالی مدیریتی نبودند. متأسفانه در این رابطه بیشتر ملاک‌های سیاسی، جناحی و حزبی و ایدئولوژیک مطرح بوده و در این میان حضور افراد از هر تبار و طایفه و قومی لزوما به معنای شایستگی، توانایی، تخصص، مهارت و تجربه نبوده اسـت. کمااینکه در دولت سـیزدهم فردی مانند آقای عبدالملکی که کُرد هستند، در قامت وزیر در کابینه حضور پیدا می‌کنند، اما نتیجه عملکرد او غیرقابل دفاع اسـت. بنابراین چرخش مدیران کشور یک چرخش تخصصی و کارشناسی‌شده نیست و بر اساس وابستگی‌های سیاسی صورت می‌گیرد.

با توجه به نکاتی که عنوان شد روی همان خلط مبحث بین قرائت‌های «قوم‌گرایانه» با خوانش‌های «مذهبی» متمرکز شویم که طی سـال‌های پس از انقلاب ذیل آن سعی شده هر دو را به مثابه یکدیگر در نظر بگیرند؟

در این باره توضیح می‌دهم. اما ابتدا دقت کنیم که در ابتدای انقلاب شاهد آن بودیم که استانداران اهل سنت هم توانستند خدمت کنند. هم استاندار اول سیستان و بلوچستان آقای غلامرضا دانش‌نارویی و هم اسـتاندار اول کردسـتان (آقای یونسی)، اسـتاندار دوم کردستان (آقای شـکیبا)، استاندار سوم کردستان (آقای شاه‌اویسی) و استاندار چهارم کردستان (آقای مهرآسا) هم سنی‌مذهب بودند. مضافا باید یادآور شد که اساسا قبل از انقلاب هم شاهد آن بودیم که اهل سنت، هم فرماندهان ارشد لشکری و هم مسـئولان عالی‌رتبه کشـوری تا مقام وزارت بودند. اما موضوع اصلی اینجاست که در تمام این سـال‌های بعد از انقلاب سـعی شده اسـت حضور کردها یا بلوچ‌ها و دیگر اقوام را مترادف و مساوی با حضور اهل سـنت در نظر بگیرند. به سخن دیگر مدیران و اسـتاندارانی که کرد بوده‌اند و بومی هم بوده‌اند، اما سنی‌مذهب نبوده‌اند.

حالا که موضوع قبل و بعد از انقلاب شد، مشخصا از کجا و چه مقطعی ریل تغییر کرد؟

این نیاز به یک بازخوانی تاریخی دارد. در همان یک سـال اول بعد از انقلاب و اتفاقات کردستان و درگیری‌های خونینی که شـکل گرفت، عملا با پایان استانداری آقای مهرآسا به عنوان استاندار چهارم کردسـتان که هم‌زمان می‌شـود با آغاز جنگ ایران و عراق، مشخصا از سال ۱۳۵۹ به نظر می‌رسد که سیستم سیاسـی به تدریج به سمت تغییر در ساختار کلان مدیریتی کشور گرایش پیدا می‌کند. با آغاز جنگ، این روند شـدت می‌گیرد و باقی‌مانده نیروهایی که عمدتا از دوره پهلوی در سـاختار مدیریتی حضور داشتند، بازنشسته می‌شوند و کنار می‌روند. بعد از آن فرایندی شکل می‌گیرد که محدودیت‌هایی درخصوص به‌کارگیری‌ها ایجاد می‌شود .

با آغاز به کار دولت اصلاحات در سال ۷۶ نگاه، قدری تغییر می‌کند و اتفاقا عبدالله نوری که دوباره به وزارت کشور بازمی‌گردد، مصوبه عدم اسـتفاده از اهل سنت برای فرمانداری‌های مناطق مرزی را با پیگیری‌های آقای دکتر رمضان‌زاده، اسـتاندار وقت استان کردستان لغو می‌کند و برای اولین بار یک اهل سنت به عنوان فرماندار در استان کردستان و شهر دیواندره یعنی مرحوم آقای باباخاص انتخاب می‌شوند. بعد از این برهه است که به تدریج چهره‌های اهل سنت دوباره به بدنه میانی مدیریتی کشور بازمی‌گردنـد و این روند تا دولت آقای روحانی به جایی می‌رسـد که حـدود ۸۰ درصد از فرمانداران شـهرهای مرزی در مناطق کردنشین به نیروهای اهل سنت اختصاص پیدا می‌کند و در این بین بیشتر رؤسـای ادارات از آموزش و پرورش تا جهاد کشـاورزی، ارشاد و... از میان نیروهای اهل سنت انتخاب می‌شوند به گونه‌ای که در شهرهای مرزی بیش از ۹۰ درصد مدیران بومی و در شهرهای سنی‌مذهب، مدیران مختلف نیز از میان اهل سـنت انتخاب شـده‌اند که البته لازم به ذکر اسـت که در دوره آقای روحانی در اسـتان کردستان اتفاقات بهتری روی داد و شـاهد حضور اهل سنت در مقامات ارشدتر بودیم مانند مدیر جهاد کشـاورزی، ریاست دانشگاه علوم پزشکی کردستان و مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی که از بین نیروهای اهل سنت انتخاب می‌شوند.

اینهـا علاوه بر معاونان اسـتاندار و دیگر مدیران ارشد اسـتانی است که از اهل سـنت استفاده شد. در ادامه، این روند اسـتفاده از اهل سـنت در دولت روحانی یک نمود کم‌رنگ در سطح سفیر داشت و دو اهل سنت از کردستان و سیستان‌وبلوچستان به‌عنوان سـفیر انتخاب می‌شـوند. مضافا در بیـن نیروهای ستادی کابینه و حتی معاونان وزرا از اهل سنت هم استفاده شد که در دولت سیزدهم این روند افول کرد.

و با دولت چهاردهم چه روندی را متصورید؟

با توجه به رونـدی که از ابتدای انقلاب تاکنون و در دولت‌های مختلف تبیین شد، آقای دکتر پزشکیان سعی دارد تجربه متفاوتی را از دولت‌های قبلی برای استفاده از نیروهای اهل سنت در کابینه داشته باشد و این دولت تلاش می‌کند برای اولین بار اهل سنت را در رده وزارت به کار گیرد. اما نکته اینجاست که برخی پژوهشگران و فعالان قوم‌گرا در راستای سؤال شـما، به دنبال آن هستند که محدودیت به‌کارگیری اهل سنت را با روایت قوم‌گرایانه در بحث قومی مطرح و توجیه کنند. این بحث در عین حال که واقع‌بینانه نیسـت، می‌تواند به یک خطای سیاسـی و مدیریتی منجر شـود و بدون شک این خطای سیاسـی روی عملکرد کابینه اثر خود را خواهد داشت. بنابراین وقتی سعی می‌کنند استفاده از اقوام را به‌مثابه حضور اهل سنت در نظر بگیرند، فردا رؤسای جمهور و کابینه ادعا می‌کنند از نخبگان و شایستگان کردستانی و بلوچستانی در دولت استفاده شده اسـت و این‌گونه عنوان می‌کنند که از کردهای قروه، بیجار، شـاهین‌دژ یا مناطق سیستان‌وبلوچستان چهره‌هایی را برای وزارت انتخاب کرده‌اند، اما حقیقت آن است که این کردها و بلوچ‌ها، شیعه‌مذهب هسـتند و اینجاست که شاهد یک خطای راهبردی خواهیم بود؛ چون همان‌طورکه قبلا گفتم و تکرار می‌کنم، متأسـفانه برخی فعالان قوم‌گرا سـعی می‌کنند دو مقوله کاملا جدا یعنی «اقوام و زبان» را به‌مثابه «مذهب» در نظر بگیرند. هرچند این فعالان قوم‌گرا در سال‌های گذشته به خطای خود اذعان داشته‌اند، اما متأسفانه کماکان به همین اشتباه‌شان ادامه می‌دهند و همچنان بر راه خطای طی‌شده اصرار می‌ورزند. درحالی‌که موضوع کاملا روشـن و تفکیک‌شده است. چالش و بحث اصلی تمام این سـال‌ها، استفاده از «اهل سنت» در رده‌های کلان مانند وزارت اسـت، نه استفاده از نیروهای اقوام و تیره‌های مختلف.

در قوه مجریه، مقننه، قضائیه و حتی سایر نهادهای حاکمیتی، اهل سنت حضور چشمگیری ندارد. این در حالی است که طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مبنای اصلی حکمرانی در کشـور، از همه مذاهب، حتی پیروان ادیان آسمانی مانند هم‌وطنان زرتشتی و مسیحی هم می‌توانند در سـاختار کلان مدیریتی کشـور حضـور پیدا کنند و قانون اساسـی صرفا بـرای دو مقام «رهبری» و «ریاسـت‌جمهوری» محدودیت قائل شـده اسـت و برای سـایر رده‌های مدیریت کشور هیچ‌گونه محدودیت مذهبی، دینی و نظایر آن وجود ندارد. لذا قانون اساسـی به اهل سنت اجازه می‌دهد وزیر بشود و در هر رده کلان دیگری در هر نقطه از کشور به فعالیت بپردازد.

در سـایه آنچه عنوان کردید، چرا تاکنون این موضوع در بدنه مدیریتی کلان کشور، آسیب‌شناسی نشده است؟

دلایـل متعددی دارد. در عین حال سـؤالات بسـیار زیادی هم وجود دارد که پاسـخ تک‌تک این پرسـش‌ها می‌تواند بخشی از این آسیب‌شناسی را که به آن اشـاره کردید، روشن‌تر کند. متأسفانه ما تاکنون آسیب‌شناسـی‌ای دراین‌باره نداشته‌ایم که چرا نمی‌توان با وجود اشاره صریح و مستقیم قانون اساسی جمهوری اسـلامی ایران، از همه آحاد جامعه در رده‌های کلان مدیریتی کشور استفاده کرد؟ واقعا در حوزه عمومی کمتر به این مسئله پرداخته شده است که چرا برخی ارکان و نهادهای مدیریتی یا کانون‌های مؤثر احیانا بنا بر برخی روایت‌های منتشرشده مقاومت می‌کنند؟! آیا با آنها رایزنی جدی شده است؟ تعامل سازنده‌ای را پی گرفته‌اند؟ آیا آسیب‌شناسی این وضعیت در اختیار آنها قرار گرفته اسـت؟ آیا مطالعات، هزینه‌ها، خسارت‌ها و تهدیدهای ناشی از تداوم فضای موجود در عدم استفاده از نخبگان بخش های مختلف اطلاع‌رسـانی شده اسـت؟ آیا پژوهش‌هایی را که نشان می‌دهد روند محدودیت به‌کارگیری آنها در رده‌های کلان مدیریتی چه آسـیب‌هایی به کشور می‌زند، در اختیار این نهادهای مؤثر قرار داده‌اند؟ آیا جلسـات مشترک میان این نخبگان و مراجع به صورت مستمر برگزار شده است؟ آیا دولت‌های پیشین در این زمینه برنامه‌هایی تدوین کرده بودند؟ آیا دولت آقای پزشکیان چنین برنامه‌ای را طلب می‌کند؟

وقتی در میان اهل سنت کسانی هستند که برای جمهوری اسلامی ایران فداکاری کرده‌اند و از جان خود گذشـته‌اند یا برادران، خواهران، پدران، مادران، فرزندان و بیشتر اعضای خانواده خود را از دست داده‌اند، چرا نباید از این افراد در سیستم و ساختار مدیریت کلان کشور استفاده کرد؟ البته در کنار پاسخ به این پرسش‌ها و انبوهی از پرسش‌های دیگر، من معتقدم همین گفت‌وگوی «شرق» درباره ضرورت به‌کارگیری اهل سـنت در کابینه چهاردهم می‌تواند یک فتح باب باشـد که اجازه داده شود در مورد مسائل حساس مانند به‌کارگیری اهل سنت با رویکردی سنجیده و حساب‌شده بحث شود.

ببینید، در سـطح سفرا، دو سفیر اهل سنت داشتیم. باید کارنامه آنها بررسی شود و مشخص کنند آیا این دو سـفیر اهل سنت در مقامی که داشتند خدمت کرده‌اند؟ اگر خدمت کرده‌اند، آیا می‌توان آن را به سـایر رده‌های کلان مدیریتی مانند وزارت تسـری داد؟ من قبل‌تر عنوان کردم در استان کردستان شـاهد بودیم که رئیس دانشگاه علوم پزشـکی، رئیس جهاد کشاورزی و... از بدنه اهل سنت بودند و این افراد تجارب مدیریتی خوبی کسب کرده‌اند و می‌توان از این افراد در مسئولیت‌ها و رده‌های بالاتر، حتی در سطح وزارت، استفاده کرد.

در اسـتان سیستان‌وبلوچسـتان نیز اهل سنت در قالب معاون اسـتاندار و فرمانداران ایفای نقش کرده‌اند. پس به‌کارگیری اهل سـنت کُرد، بلوچ و دیگر اهل سـنت از همه اقوام ایران می‌تواند با یک بررسی دقیق، جامع و واقع‌بینانه و با استفاده از تجارب پیشین، به تبیین یک روند درست منجر شود که برای اولین بار از اهل سنت در رده‌هایی مانند وزارت استفاده کرد تا اهل سنت هم منشأ خدمات مثبت بیشتری برای ایران باشند. فراموش نکنیم بسیاری از بدنه کارشناسی اهل سنت کشور، هم دارای دانش، تخصص و سواد بالای آکادمیک هستند و هم تجارب مفید و ارزنده مدیریتی دارند. من خبر دارم که همین الان در وزارت راه، مسـکن و شهرسازی، در وزارت صمت و در وزارت جهاد کشـاورزی، نیروهای اهل سـنتی حضور دارند که با دانش و تجربه خود توانسته‌اند منشأ اتفاقات مثبتی باشند.

ادامه در صفحه ۵

خبر

رئیس‌جمهور در پیامی به مناسبت روز خبرنگار:

خبرنگاران دیده‌بانان هوشیار جامعه و پل ارتباطی میان دولت و ملت هستند

رئیس‌جمهـور بـا بیـان اینکـه مسـیر پرفرازونشـیب فعالیت خبرنـگاران، کمتر از جهاد در راه حق و حقیقت نیسـت، تصریح کرد: جوهره خبرنگاری در همزیستی با مردم و درک عمیق دغدغه‌های آنان نهفته است؛ خبرنـگاران دیده‌بانان هوشـیار جامعه و پل ارتباطی میان دولت و ملت هستند.

مسـعود پزشـکیان در پیامی بـا تبریک روز خبرنگار، این مناسـبت را فرصتی مغتنم برای ارج‌نهادن به کوشـش خسـتگی‌ناپذیر پاسداران حقیقت و وجدان‌های بیدار جامعه دانسـت که با قلم توانا و بیان رسـای خود، نقشـی حیاتی در روشـنگری، تنویـر افکار عمومی و امیدآفرینی ایفا می‌کنند.

بنـا بـر روایـت ایرنـا، رئیس‌جمهـور در ایـن پیـام بیان کـرد: هفدهم مـرداد، فرصتـی مغتنـم بـرای ارج‌نهـادن بـه کوشش خسـتگی‌ناپذیر پاسداران حقیقت و وجدان‌هـای بیـدار جامعه اسـت؛ آنان که با قلم توانا و بیان رسای‌شـان، نقشـی حیاتی در روشـنگری، تنویـر افکار عمومی و امیدآفرینی ایفا می‌کنند. پزشکیان افزود: شـأن و منزلـت والای خبرنـگاران ازآن‌رو اسـت که در انجام رسالت خطیر خویش و خدمت به مردم و اطلاع‌رسـانی صادقانه، همت خود را فداکارانـه به کار می‌بندند و تمام توان و اسـتعداد خویـش را در طبق اخـلاص می‌نهند. وی افزود: در عصری که سیل خروشـان اخبار، مخاطب و جامعه را در تشخیص حقیقت و گزینش راستی‌ها با چالش‌های پیچیده روبه‌رو کرده و حقیقت در هزارتوی ناراستی‌ها محجوب گشته، این خبرنگاران هستند که با تکیه بر شجاعت و دانش ژرف خود، به اعماق پنهان حقیقت رخنه کرده و رسـالت عظیم آگاهی‌بخشی و هوشـیاری اجتماعی را بـه منصه ظهور می‌رسانند. بی‌گمان، این مسیر پرفرازونشیب، کمتر از جهاد در راه حق و حقیقت نیست. پزشکیان افزود: این‌جانب ضمن تبریک این روز فرخنده بـه تمامی خبرنگاران گران‌قدر میهن عزیزمان، این اطمینان را می‌دهم که دولت چهاردهم با درک عمیق جایگاه رفیع رسانه‌ها و خبرنگاران و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌هـا در جهـت صیانـت از حقوق ایشان، در راستای ترمیم پیوند دولت و ملت و ایجاد همبسـتگی ملی، از هیچ کوششی فروگذار نخواهد کرد.

دفتر روحانی در واکنش به ادعای صداوسیما:

روزنامه اسرائیلی منبع صدا و سیما شده است

دفتر روحانی در انتقاداتی تند نسـبت به برنامه پخش‌شده از صداوسیما نوشته است: این سازمان سال‌هاست تبدیل به یک تریبون یک‌طرفه شده و امیدی به پاسخ‌گویی در آن یا عذرخواهی از آن نیست؛ کار صداوسیما و «کارشناسان»! به کجا کشیده که یک روزنامه اسـرائیلی منبع مورد وثوق آنها شده است. روابط‌عمومی دفتر رئیس‌جمهـور ایران در دوره‌هـای یازدهـم و دوازدهـم در نامه‌ای به رئیس سـازمان صداوسـیما، بـه ادعای میهمان صداوسـیما پاسـخ داد و نوشت: اخیرا در یکی از برنامه‌های زنده شـبکه اول سیمای جمهوری اسلامی، یکی از میهمانان به‌اصطلاح کارشـناس، مدعی مذاکره آقای دکتر حسـن روحانی با مشـاور نخست‌وزیر وقت اسرائیل در سـال ۱۳۶۵ شده و استناد ایشان نیز به مقاله روزنامه اسرائیلی یدیعوت آحارونوت است. اینکه ادعایی چنین سخیف و مضحک، سـال‌ها بعد از طرح آن توسـط یکی از سـخنرانان تندرو و محکومیت او در دادگاه به هشـت ماه حبس، چرا دوباره در صداوسـیما مطرح شده، سـؤالی است که پاسخ آن با توجه به رویه سابق این سازمان در تخریب دکتر روحانی، به‌ویژه در ایام انتخابات ریاسـت‌جمهوری اخیر، قابل حدس است؛ اما موضوع تأسف‌برانگیز اصرار صداوسیما بر ادامه مسیری اسـت که به تصورشان به تخریب رئیس‌جمهور دوره‌هـای یازدهم و دوازدهم کشـور و تفکر اعتدالـی نزد مردم هوشیار و شریف ایران منجر می‌شود که اگر رویه سیاسی این سازمان نزد مردم جایگاهی داشـت، امروز باید فضای سیاسـی کشور و انتخاب آنها و امورات اجتماعی طور دیگری می‌بود. کار صداوسـیما و «کارشناسان»! به کجا کشـیده که یک روزنامه اسرائیلی منبع مورد وثوق آنها شده است! خبری چنین مهم چرا فقط در یک منبع اسرائیلی نوشته شده و در طی این سال‌ها کسی نتوانسته آن را حتی تأیید کند؟ اینکه بـرای به زعم خود تخریب دکتر روحانی و تفکر اعتدالی و تعامل‌گرایانه، به اسرائیلیات توسل جسته‌اند، عیار واقعی مدعیان را آشکار می‌کند.